

دور دنیا

سوپر مارکتی با سنگی غول پیکر



استونی، کشوری است کوچک در شمال شرق اروپا که زمستان‌های سرد و تاریک دارد و تابستان‌هایی معتدل و روشن. برخی شهرهای قدمت و تاریخ قرون وسطایی دارد و به همین دلیل، مثلا تالین، پایتختش در یونسکو به عنوان میراث جهانی شناخته شده است.

اما چیزی که این روزها توجه همگان را به خود جلب کرده و در فضای مجازی دست به دست می شود، تصویر تخته سنگی غول پیکر است که وسط یکی از سوپرمارکت‌های شهر «هانیبمه» در حومه پایتخت این کشور، جا خوش کرده. این تخته سنگ، محیطی به اندازه ۱۲ متر از کف فروشگاه اشغال کرده و با بخشی که در زمین است، حدود ۶ متر ارتفاع دارد.

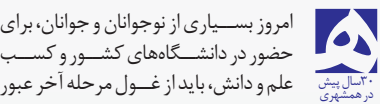
قصه این تخته سنگ نیز از این قرار است که صاحبان این فروشگاه در سال ۲۰۱۴ میلادی هنگام ساخت و ساز و کندن فونداسیون ساختمان فروشگاه، به این سنگ برخوردند. ابتدا کارگران تصمیم داشتند آن را خرد کنند و از سر راه بردارند، اما اهالی محل آنها را منصرف کردند. در همان زمان، توجه کارشناسان زمین شناسی هم به این سنگ جلب شد و آنها در یافتند قدمت این سنگ به چیزی حدود ۱۰ هزار سال پیش، یعنی پایان عصر یخبندان بازمی گردد که یخچال‌های غول پیکر آن روزگار حین آب شدن، این سنگ را به این مکان آوردند. مردم شهر هانیبمه معتقد بودند ناپود کردن چنین سنگ گرانبها و تاریخی‌ای، ظالمانه است و برای حفظ آن بافشاری کردند، تا جایی که صاحبان فروشگاه، ابتدا تصمیم گرفتند محل ساخت فروشگاه را تغییر دهند اما به خاطر هزینه‌های سنگینی که صرف کرده بودند، تصمیم شان را تغییر دادند و دکوراسیون داخلی فروشگاه را به گونه‌ای طراحی کردند که این سنگ، چون نگینی در انگشت فروشگاه شان به نظر بیاید.

حالا مردم این شهر، این سنگ را جزو هویت شهرشان می دانند و گاهی تابلوها و مجسمه‌های هنری فروشگاه را روی آن قرار می دهند.



دیروزنامه

غول مرحله آخر



امروز بسیاری از نوجوانان و جوانان، برای حضور در دانشگاه‌های کشور و کسب علم و دانش، باید از غول مرحله آخر عبور کنند؛ غولی به نام کنکور سراسری که البته برای همه دانش آموزان شرکت کننده در آزمون اسمال ارزی موفقیت می کنیم، اما بد نیست بدانید ۳۰ سال پیش در چنین روزی هم در روزنامه بیست و ششم تیر سال ۱۳۷۴، سخن از کنکور سراسری به میان آمده بود. در صفحه اول روزنامه آن سال به زمان دریافت کارت ورود به جلسه آزمون مرحله دوم اشاره شده بود.

در آن روزگار آزمون سراسری دو مرحله‌ای بود؛ یعنی آزمون مرحله اول، فقط به دروس عمومی اختصاص داشت و در آزمون مرحله دوم که در مرداد برگزار می شد، دانش آموزان باید در آزمون دروس اختصاصی شرکت می کردند و نتیجه دو مرحله با هم جمع می شود. البته حالا بعد از ۳۰ سال، برای کاشش استرس شرکت کنندگان، آزمون کنکور سراسری ۲ بار برگزار شد تا بهترین نمره و تراز شرکت کنندگان در یکی از این دو آزمون برایشان محاسبه شود.

تحسین جهانی خانه‌های ایرانی

گزارشی از خانه‌های تاریخی ایران که رتبه بالایی در سایت‌ها و پلتفرم‌های گردشگری جهانی دارند



اینها دیگر فقط تخت جمشید و میدان نقش جهان نیستند که در صدر می درخشند؛ بلکه خانه‌هایی چون «بروجردی‌ها» و «طباطبایی‌ها» در کاشان هستند که با هزاران نظر و امتیاز نزدیک به هشتاد هزار، به مقاصد «الزامی» در سفر به ایران بدل شده‌اند. گردشگران در توصیف خانه بروجرودی‌ها از کلماتی چون «خیره کننده» و «اوج هنر گچبری» استفاده کرده‌اند و خانه طباطبایی‌ها را با لقب عاشقانه‌اش، «عروس خانه‌های ایران» به یک دیگر معرفی می کنند. این حجم از باز خورد مثبت، نشان می دهد که معماری مسکونی ایرانی، با آن درون گرایی و تزئینات بی بدیلش، به یک زبان مشترک جهانی برای سستایش زیبایی تبدیل شده است. از کاشان که به پایتخت سفر کنیم، «خانه مقدم» در تهران، چهره‌ای از یک سفارت فرهنگی را به نمایش می گذارد. اینجا دیگر فقط روایت معماری نیست، بلکه داستان عشق یک

تنها یک جستجوی ساده کافی است تا حقیقتی شگفت انگیز آشکار شود: خانه‌های قدیمی که روزگاری محل سکونت و زندگی خانواده‌های ایرانی بودند، امروز به جاذبه‌ای جهانی برای هزاران گردشگر خارجی بدل شده‌اند. خانه‌های تاریخی ایران، این سفیران خاموش فرهنگ و معماری، دیگر تنها میراثی برای ما نیستند؛ آنها پدیده‌هایی جهانی هستند که نام ایران را در معتبر ترین پلتفرم‌های گردشگری دنیا با امتیازاتی در خشان ثبت می کنند.

وقتی یک گردشگر اروپایی یا شرق آسیایی، پیش از سفر به ایران، در سایت‌هایی مانند «ت‌ریپ‌ادوایز» یا «گولنی پلنت» به دنبال برترین جاذبه‌های می گردد، با نام‌هایی مواجه می شود که شاید برای ما آشنا باشد، اما برای او کشفی شگفت انگیز است.

فاطمه عباسی



خانه بروجرودی‌ها؛ کاشان

تقریبا در تمام فهرست‌های جهانی از زیبا ترین خانه‌های تاریخی جهان، نام خانه بروجرودی‌ها به چشم می خورد. این خانه به دلیل گچبری‌های بی نظیر، نقاشی‌های دیواری نفیس (اثر کمال الملک و شاگردانش) و به ویژه یادگیرهای قرینه و هلالی شکل منحصر به فردش که به نماد معماری خانه‌های کویری ایران تبدیل شده، شهرت جهانی دارد. این خانه اغلب به عنوان «اوج هنر گچبری و تزئینات داخلی در خانه‌های ایرانی» شناخته می شود. معماری آن به قدری چشمگیر بوده که به عنوان یک شاهکار معماری ایرانی، جایزه یادبود آقاخان را نیز دریافت کرده و در بسیاری از کتاب‌های مرجع معماری جهان به آن استناد می شود.

خانه طباطبایی‌ها؛ کاشان

این خانه که به «عروس خانه‌های ایران» شهرت دارد، به دلیل معماری دقیق، جزئیات خیره کننده، تقارن استادانه و گچبری‌های ظریف و پر کارش در سطح جهانی شناخته شده است. خانه طباطبایی‌ها نمونه کامل یک خانه اعیانی ایرانی با تمام فضاها (اندرونی، بیرونی، حیاط‌های متعدد و سرداب) است. پیچیدگی طراحی و زیبایی بی حد و حصر آن باعث شده تا در کنار خانه بروجرودی‌ها، پای ثابت فهرست برترین جاذبه‌های معماری ایران برای گردشگران خارجی باشد.

خانه مقدم؛ تهران

خانه مقدم یک مورد کاملا استثنایی است. شهرت جهانی آن نه فقط به خاطر معماری قاجاری بنا، بلکه بیشتر به دلیل کلکسیون بی نظیر و گرانبهایی است که توسط پروفسور محسن مقدم (از بنیانگذاران دانشکده هنر‌های زیبای دانشگاه تهران) و همسر فرانسوی‌اش، سلما کوپومجیان در آن گردآوری شده است. این خانه ترکیبی شگفت انگیز از معماری ایرانی و اروپایی است و هر گوشه آن با کاشی‌های تاریخی، ستون‌های سنگی، حوض‌ها و آثار هنری ارزشمند ترین شده است. این خانه در رسانه‌های بین المللی به عنوان یکی از «گران ترین و ارزشمند ترین خانه‌های جهان» از نظر تاریخی و هنری شناخته می شود.



خانه لاری‌ها؛ یزد

شهر یزد به عنوان میراث جهانی یونسکو، خود به خود به تمام بناهایش اعتبار جهانی می بخشد. خانه لاری‌ها در این میان، به عنوان یکی از بهترین و کامل ترین نمونه‌های خانه‌های اعیانی کویری شناخته می شود. شهرت جهانی آن به دلیل یادگیرهای بلند و زیبایش، درهای چوبی کنده کاری شده، پنجره‌های ارسلی با شیشه‌های رنگی و اتاق‌های آینه کاری و نقاشی شده است. این خانه به خوبی نشان می دهد که چگونه معماران ایرانی با استفاده از عناصر بومی مانند بادگیر و سرداب، در دل کویر فضایی دلنشین و خنک ایجاد می کرده‌اند.



خانه زینت الملک؛ شیراز

این خانه یک تجربه فرهنگی چندلایه ارائه می دهد که فراتر از یک یادید معماری صرف است. شهرت اصلی آن به خاطر موزه مشاهیر فارس است که در زیرزمین آن قرار دارد و به «مادام تئوسوی ایران» مشهور است. این ترکیب هوشمندانه از یک بنای تاریخی قاجاری با یک جاذبه مدرن و بصری (مجسمه‌های مومی)، آن را به مقصدی بسیار محبوب برای طیف وسیعی از گردشگران، به ویژه خانواده‌ها و بازدیدکنندگان بین المللی تبدیل کرده است. ارتباط زیرزمینی آن با تاریخیست قوام یک ارزش داستانی و تاریخی منحصر به فرد به آن می بخشد.

خوش خبر

مأمور نجات جان‌ها



بین لرستانی‌ها و خوزستانی‌ها شهرت بسیار دارد؛ مردی ۶۳ ساله که از کودکی با پدر و پدر بزرگش در مجلس‌های صلح و سازش بسیاری نشست و آشتی دادن آدم‌ها را از آنها به یادگار گرفته است؛ از محمدخان مرادی نژاد حرف می‌زنیم. داستان زندگی این ناجی از روزهای نوجوانی‌اش آغاز می‌شود؛ جایی که با آموختن هنر آشتی دادن از بزرگان خانواده‌اش، قدم به کار صلح گذاشته است.

اولین تجربه مستقل او برای میانجیگری به سال ۶۰ برمی گردد، زمانی که با اختلافات میان خانواده‌های عشایر به واسطه یک قتل مواجه و موفق به برقراری صلح شد. از آن زمان، محمدخان به‌طور مداوم در تلاش است تا اختلافات را حل کند. او هر روز صبح بعد از حمد خدا به دنبال پرونده‌های قضایی می‌رود و بی هیچ چشمداشتی به نجات جان انسان‌ها کمک می‌کند. او حتی در مواردی از مال خود گذشته و ضامن دیگران شده و برای آنها رضایت گرفته است. محمدخان به اعتقاد خود، برای افرادی که در لحظات ناگهانی ولی تکیب خطا شده‌اند همیشه آماده کمک است، ولی هرگز قدمی برای کسانی که با قساوت جان کسی را گرفته‌اند، بر نمی‌دارد. دادگستری لرستان می‌گوید که «او پیش از ۷۰ اعدامی را نجات داده» و به آغوش خانواده‌هایشان بازگردانده است. این فرهنگ بازنشسته با افتخار می‌گوید: «هیچ لذتی از این کار برایم بالاتر نیست». در دنیایی که فرهنگ مصالحه و آشتی به‌طور فزاینده‌ای کم‌رنگ شده، محمدخان مرادی نژاد به‌عنوان نمونه‌ای از امید و تلاش برای صلح در جامعه لرستان و خوزستان می‌درخشد.



عکس خانه

راوی رچ‌ها در قلب بازار تبریز



در دل دالان‌های تو در تو و پریه‌های بازار بزرگ تبریز، جایی که تاریخ در هر گوشه‌اش نفس می‌کشد، کارگاه‌های کوچکی وجود دارند که گنجینه‌های هنر ایران در آنها جان می‌گیرند. این قاب که توسط شیرین ن ظافتی ثبت شده، پنجره‌ای است به یکی از همین دنیاهای کوچک و پر از شور. نور خورشید که از پنجره به درون می‌تابد، بر چهره مردی هنرمند می‌نشیند که با تمرکز و عشقی وصف‌ناپذیر، گر به گر به می‌زند و چ به رج، داستانی از رنگ و نقش را بر دارقالی روایت می‌کند. فضای ساده و بی‌آلایش کارگاه فرش، در تضاد با شکوه فرشی است که در حال خلق شدن است. بقچه‌های نخ و فرش نیمه‌تمام تکیه داده شده به دیوار، حکایتی از سال‌ها تلاش، صبر و استادی دارد. این تصویر، تنها یک عکس نیست؛ بلکه سندی است از تداوم یک میراث گرانبها؛ میراثی که باستان بینیه‌بسته هنر مندانی چون او، از گزند زمانه در امان مانده و روح فرهنگ ایرانی را در تار و پود خود زنده نگه می‌دارد. اینجا، در سکوت پر معنای کارگاه، صدای کوبیدن دقه بر فرش، دل انگیزترین موسیقی جهان است.